

مقایسه خودکارآمدی دانش آموزان با توجه به الگوهای ارتباطی خانواده

احمد احمدی قوزلوجه^۱

دکتر فرشته باعزت^۲

سیاوش کیانی^۳

چکیده

هدف این پژوهش مقایسه خودکارآمدی دانش آموزان با توجه به الگوهای ارتباطی خانواده در شهر پارس آباد بود. روش پژوهش پس رویدادی و از نوع علی-مقایسه ای است و از میان جامعه آماری ۱۶۰ نفر از طریق نمونه گیری تصادفی خوشه ای به عنوان نمونه گزینش شدند. برای گردآوری داده ها از مقیاس تجدید نظر شده الگوهای ارتباطی خانواده و پرسشنامه خودکارآمدی عمومی شرر استفاده شد. داده ها از طریق آزمونهای تحلیل واریانس یک راهه، آزمون تعقیبی شفه و ضریب اتا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج حاصل نشانگر آن بود که خودکارآمدی دانش آموزان با توجه به الگوهای ارتباطی خانواده متفاوت است و فرزندان خانواده های کثرت گرا و توافق کننده از خودکارآمدی بالا و فرزندان خانواده های محافظت کننده و بی قید از خودکارآمدی پایین برخوردارند. بر اساس نتایج این پژوهش پیشنهاد می شود که به منظور تقویت خودکارآمدی فرزندان، والدین زمینه های لازم را برای تعاملات باز و سرگشاده در خانواده فراهم کنند و ضمن تشویق فرزندان به اظهار نظر و مشارکت در تعاملات خانواده آنها را متوجه کنند که نظرات و عقایدشان ارزشمند است و در تصمیم گیریهای خانواده به کارگرفته می شوند.

کلید واژه ها: الگوی ارتباطی خانواده، خانواده کثرت گرا، خانواده توافق کننده، خانواده محافظت کننده، خانواده بی قید، خودکارآمدی

تاریخ دریافت: ۹۰/۴/۲۱ تاریخ پذیرش: ۹۱/۸/۲۵

۱. دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه شهید چمران اهواز

۲. دانشیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه مازندران

۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی

ahmad747kam@yahoo.com

baezzat12@gmail.com

sia000kia@gmail.com

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

خانواده به منزله کوچکترین واحد اجتماعی، از مهم‌ترین عوامل مؤثر در رشد و شکل‌گیری شخصیت فرزندان است. به عبارت دیگر، یکی از مهم‌ترین عواملی که سبب می‌شود فرزندان متعلق به یک خانواده دارای ویژگیهای شخصیتی سالم و سازنده و فرزندان متعلق به خانواده دیگر دارای ویژگیهای شخصیتی بیمارگونه و غیر سازنده باشد، شرایط حاکم بر خانواده است و از میان جنبه‌های گوناگون خانواده، مهم‌ترین عاملی که در خانواده بر فرزندان تأثیر می‌گذارد چگونگی روابط میان اعضای خانواده است که تحت عنوان الگوهای ارتباطی خانواده شناخته می‌شود. تئوری الگوهای ارتباطی خانواده تأکید می‌کند بر اینکه ماهیت ارتباطات اتفاق افتاده درون سیستم خانواده محصول بازنمایی روانی و طرحواره ارتباطی اعضای خانواده است. مطابق این تئوری، طرحواره ارتباطی خانواده شامل باورهای اعضا درباره شیوه‌های ابراز صمیمیت، عاطفه و حمایت از همدیگر، میزان مباحثه و گفتگوی باز و سرگشاده، تأکید بر یکسانی ارزشها، نگرش‌ها و رفتارها در ارتباط است (کوثرنر و فیتزپاتریک^۱، ۲۰۰۲). فیتز پاتریکو ریچی^۲ (۱۹۹۴)، نقل از فیتزپاتریک، (۲۰۰۴) دو بعد زیر بنایی گفت و شنود^۳ و جهت‌گیری همنوایی^۴ را در الگوهای ارتباطی خانواده شناسایی کردند. جهت‌گیری گفت و شنود را میزانی که خانواده شرایطی فراهم می‌کند تا همه اعضای خانواده آزادانه و راحت در تعامل، بحث و تبادل نظر درباره طیف وسیعی از موضوعات شرکت کنند، و جهت‌گیری همنوایی را نیز میزانی که خانواده بر یکسان بودن نگرشها، ارزشها و رفتارها تأکید می‌کنند تعریف کرده‌اند. کوثرنر و فیتزپاتریک (۲۰۰۲) بیان می‌کنند که از ترکیب سطوح مختلف دو بعد گفت و شنود و همنوایی چهار نوع خانواده حاصل می‌شود که تحت عنوان الگوهای ارتباطی خانواده از آنها یاد می‌شود. این چهار نوع خانواده عبارت‌اند از: خانواده‌های توافق‌کننده^۵، کثرت‌گرا^۶، محافظت‌کننده^۷ و بی‌قید^۸.

بر اساس تئوری الگوهای ارتباطی خانواده (کوثرنر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲)، خانواده‌های توافق‌کننده گفت و شنود و همنوایی بالا دارند. در این خانواده‌ها از یک سو به ارتباط باز و کشف عقاید تازه و از سوی دیگر حفظ سلسله مراتب موجود اهمیت داده می‌شود و والدین ضمن ابراز علاقه

1. Koerner, A.F. & Fitzpatrick, M.A.

2. Ritchie

3. Conversation orientation

4. Conformity orientation

5. Consensual

6. Pluralistic

7. Protective

8. Laissez-faire

وافر به فرزندان و نظراتشان، خودشان تصمیم گیرنده نهایی محسوب می شوند. در خانواده های کثرت گرا، گفت و شنود بالا و همنوایی پایین است. در این خانواده ها موضوعات باز و گشاده مطرح و همه اعضای خانواده در گفتگو و بحث شرکت می کنند و والدین نیز ضمن پذیرش عقاید و نظرات فرزندان، به آنها اجازه می دهند تا به طور برابر در تصمیم گیری خانواده شرکت کنند. به عکس خانواده های کثرت گرا، در خانواده های محافظت کننده گفت و شنود کم و همنوایی بالاست. در این خانواده ها گفتگو و تعامل میان اعضای خانواده پایین است و والدین معتقدند نیازی به نظرات و عقاید فرزندان ندارند و خودشان بهتر می توانند برای خانواده و حتی فرزندان تصمیم بگیرند. چهارمین نوع خانواده ها نیز، خانواده های بی قید است که گفت و شنود و همنوایی پایین دارند. در این خانواده ها تعاملات و گفتگوی میان اعضای خانواده کم است و والدین معتقدند تمام اعضای خانواده باید بدون کمک و حمایت دیگران قادر به تصمیم گیری باشند و زندگی شان را خودشان مستقلانه اداره کنند.

تحقیقات انجام شده بیانگر آن است که تأثیر خانواده بر رفتارها و ویژگیهای شخصیتی فرد در هیچ یک از حوزه های خانواده به اندازه رفتارهای ارتباطی خانواده نیست (کوثرنر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲). پژوهشهای دیگر نیز حاکی از تأثیر الگوهای ارتباطی خانواده بر جنبه های مهم ویژگیهای شخصیتی هستند (هانگ^۱، ۱۹۹۹). به نظر می رسد احساس خودکارآمدی^۲ به مثابه یکی از ویژگیهای شخصیتی از آن مستثنی نباشد. از نظر بندورا^۳ (۱۹۹۷) خودکارآمدی، برآوردی احتمالی از میزان اطمینان فرد در انجام شایسته زنجیره ای از رفتارهای خاص در جهت کنترل و اداره موقعیتهای متصور است و با ظرفیت ادراک شده فرد برای تولید نتایج و دستاوردهای ازپیش تعیین شده ارتباط نزدیک دارد. به عبارت دیگر خودکارآمدی همان باورهای شخص در مورد توانایی خود برای کنار آمدن با موقعیتهای متفاوت است. افرادی که خودکارآمدی بالا دارند معتقدند که می توانند مؤثرانه با رویدادها و شرایطی که مواجه می شوند برخورد کنند و از آنجا که در غلبه بر مشکلات انتظار موفقیت دارند لذا هنگام انجام وظایف، در سطح بالایی عمل می کنند و معمولاً هم موفق می شوند. همچنین اعتماد به نفس این افراد بالا و تردیدشان نسبت به خود کم است (کوپر^۴، ۱۹۸۱؛ نقل از سیرجانی، ۱۳۸۶)، اما افرادی که خودکارآمدی ضعیفی دارند احساس می کنند که در اعمال کنترل بر رویدادهای زندگی درمانده و ناتوانند و معتقدند هر تلاشی هم که کنند، بیهوده

1. Huang, L.N.
2. Self-Efficacy
3. Bandura, A.M.
4. Cooper

است و تغییری در اوضاع ایجاد نخواهد کرد، لذا برای غلبه بر مشکلات تلاش نمی کنند (مارش^۱ و همکاران، ۱۹۹۱؛ نقل از سیرجانی، ۱۳۸۶).

از دیدگاه بندورا (۱۹۹۳) خودکارآمدی در هر مرحله از مسیر زندگی می تواند تحول یابد و پایه های آن در دوره کودکی شکل می گیرد. از نظر آرمانی در دوران کودکی والدین به کوششهای کودک برای برقراری ارتباط واکنش مثبت نشان می دهند و بدین طریق محیط سازنده ای فراهم می کنند، به کودک آزادیهای لازم را برای اکتشاف و دستکاری می دهند و سبب شکل گیری احساس خودکارآمدی در آنها می شوند. در مراحل بعدی زندگی عکس العمل مناسب والدین و ارزیابیهای مثبت آنها از عملکرد فرزندان به تقویت خودکارآمدی منجر می شود و عدم توجه به عملکرد و عقاید فرزندان و انتقادهای بی مورد نیز سبب تضعیف احساس خودکارآمدی می شود. یکی از مهم ترین عواملی که سبب شکل گیری و تقویت خودکارآمدی می شود ایجاد شرایط لازم برای ابراز وجود از سوی والدین است. اریکسون معتقد است که در مرحله خودمختاری در برابر شک و تردید، کودک رابطه خود را با والدین مورد ارزیابی قرار می دهد و تلاش می کند تا ابراز وجود نماید و چنانچه در این تلاش شکست بخورد به احتمال زیاد در آینده هم انتظار شکست خواهد داشت و قدرت اتکا به خود را از دست خواهد داد (احدی، ۱۳۷۴).

پژوهشهای انجام شده درباره تاثیر الگوهای ارتباطی خانواده بر خودکارآمدی، حاکی از آن است که الگوهای ارتباطی خانواده با درک فرزندان از خود مرتبط بوده و در خانواده هایی که سبک ارتباطی باز و تصدیق کننده دارند، نسبت به خانواده هایی که سبک ارتباطی کنترل و طرد کننده دارند، فرزندان احساس خودکارآمدی بالاتری دارند (بوهانک^۲ و همکاران، ۲۰۰۶). همچنین در خانواده هایی که سطح تعامل میان اعضای خانواده پایین بوده و والدین اجازه اظهار نظر به فرزندان نمی دادند فرزندان احساس ارزشمندی و توانمندی پایین داشته اند و معتقد بودند که رویدادها خارج از کنترل آنها هستند (کارتون و نویکی^۳، ۱۹۹۴؛ نقل از بوهانک و همکاران، ۲۰۰۶). نتایج پژوهش کاپرارا^۴ و همکاران (۲۰۰۵) نشان می دهد که خودکارآمدی فرزندان به صورت مستقیم و غیر مستقیم به زندگی خانوادگی مربوط بوده است و افرادی که خودشان را کارآمد احساس می کنند ارتباط باز با والدین را گزارش کرده اند. همچنین در خانواده های گسترده ای که پدر بزرگها و مادر بزرگها نقش میانجی بین والدین و فرزندان ایفا می کردند و سبب حفظ تعامل باز میان آنها می-

1. Marsh

2. Bohanek, J.G.

3. Carton & Nowicki

4. Caprara, G.V.

شدند، فرزندان نسبت به خانواده هایی که چنین وضعیتی نداشتند خودکارآمدتر بودند (سینگ و یودینیا^۱، ۲۰۰۹). بر اساس نتایج مطالعه رویز و سیلورشتاین^۲ (۲۰۰۷) نیز وجود ارتباط نزدیک و حمایت کننده میان والدین و پدربزرگها و مادر بزرگ ها با فرزندان، در خانواده های گسترده از عوامل مؤثر بر بالا بودن خودکارآمدی فرزندان این خانواده هاست. همچنین نتایج پژوهش کوستن^۳ و همکاران (۲۰۰۲) بیانگر آن است که فرهنگ ارتباطی خانواده بر خودکارآمدی مؤثر است و افرادی که فرهنگ ارتباطی سالم داشتند یعنی اعضای خانواده می توانستند عقاید خود را بدون ترس از طرد شدن ابراز کنند و والدین نیز از نظرات آنها استقبال می کردند و همچنین میان اعضای خانواده ارتباط روشن، مستقیم و واضح وجود داشت، از خودکارآمدی بالا برخوردار بوده و احساس می کردند که بر محیطشان کنترل دارند. به عکس در خانواده هایی که فرهنگ ارتباطی سالم وجود نداشت و فرزندان به دلیل ترس از طرد شدن، عقاید و نظرات خود را ابراز نمی کردند اعضای خانواده از خودکارآمدی پایین تر برخوردار بودند.

با در نظر گرفتن مبانی نظری و پیشینه پژوهش می توان گفت که احساس خودکارآمدی بالا، اساسی ترین عامل رشد مطلوب فرد است و با اعتماد به نفس قوی، توانایی تصمیم گیری صحیح، ابتکار، خلاقیت و سلامت روانی رابطه مستقیمی دارد (محسنی، ۱۳۸۳) و از عناصر ضروری و بنیادی برای موفقیت تحصیلی دانش آموزان به شمار می آید و توانایی آنها را برای شروع، ادامه و پایان موفقیت آمیز فعالیتهای تقویت می کند (کریستا و فریستون^۴، ۲۰۰۸). همچنین از آنجا که انتخابهای مهم فرد در جریان زندگی، ارزیابی و صرف مقدار کوشش لازم برای تحقق بخشیدن به فعالیتهای، مقاومت و پایداری در برابر مشکلات و تجربیات ناموفق زندگی متأثر از خودکارآمدی است (بندورا، ۱۹۹۷) بنابراین مطالعه خودکارآمدی دانش آموزان و عواملی که در تقویت یا تضعیف آن تأثیر می گذارد و به کارگیری یافته های آن برای ارتقای خودکارآمدی آنها، به منظور سوق دادن دانش آموزان به موفقیت تحصیلی و سایر موفقیتها، ضروری به نظر می رسد. با توجه به اینکه در پژوهشهای انجام شده، به ویژه در کشور ما، به طور مشخص به اینکه فرزندان متعلق به خانواده های دارای چه نوع الگوهای ارتباطی دارای خودکارآمدی بالا و فرزندان متعلق به خانواده های دارای چه نوع الگوهای ارتباطی خودکارآمدی متوسط یا پایینی دارند اشاره نشده است، لذا پژوهش حاضر در صدد پاسخ گویی به این مسئله است که آیا خودکارآمدی دانش آموزان با توجه

1. Singh, B. & Udainiya, R.

2. Ruiz, S. & Silverstein, M.

3. Koesten, J.

4. Krista, K. & Friston, P.

به انواع الگوهای ارتباطی خانواده متفاوت است؟ و در صورت متفاوت بودن میزان خودکارآمدی فرزندان با توجه به الگوهای ارتباطی خانواده، فرزندان متعلق به خانواده‌های دارای چه نوع الگوهای ارتباطی دارای خودکارآمدی بالا، متوسط یا پایین هستند؟

روش پژوهش

این پژوهش پس رویدادی و از نوع علی-مقایسه‌ای است. جامعه آماری این پژوهش شامل دانش آموزان پسر مقطع متوسطه شهر پارس آباد مغان در استان اردبیل بود که در حدود دو هزار نفر و در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۹۰ مشغول تحصیل بودند. از میان آنها، با در نظر گرفتن این نگرش که در روشهای علی - مقایسه ای برای هر گروه حداقل ۱۵ نفر سفارش شده (دلاور، ۱۳۸۰) ۱۶۰ دانش آموز به روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای به عنوان نمونه انتخاب شدند. به این صورت که ابتدا از میان مدارس متوسطه، سه مدرسه به صورت تصادفی، سپس از هر مدرسه سه کلاس به صورت تصادفی انتخاب شدند و نمونه ها از میان آنها گزینش شدند. در نهایت نیز با توجه به ناقص بودن پرسشنامه های چهار دانش آموز، پرسشنامه های ۱۵۶ نفر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. برای تجزیه و تحلیل داده ها، شاخصها و روشهای آماری فراوانی، میانگین، انحراف معیار، آزمون لون، تحلیل واریانس یک راهه، آزمون تعقیبی شفه و ضریب اتا^۱ به کار گرفته شدند.

ابزارهای پژوهش

۱. مقیاس تجدید نظر شده الگوهای ارتباطی خانواده: این مقیاس بر مبنای ابزار الگوی ارتباطی مک لئود و چفی^۲ (۱۹۷۲؛ نقل از کوثرنر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲) ساخته شده است. این ابزار یک مقیاس خود سنجی است که درجه موافقت یا مخالفت پاسخ دهنده را در طیف ۵ درجه ای لیکرت، درباره ۲۶ گزاره که در زمینه ارتباطات خانوادگی هستند، می‌سنجد. در این مقیاس نمره "۴" معادل کاملاً موافقم و نمره "۰" معادل کاملاً مخالفم است. این ابزار دو بعد گفت و شنود و همنوایی را می‌سنجد که ۱۵ گزاره اول مربوط به گفت و شنود و ۱۱ گزاره بعد مربوط به بعد همنوایی است، بنابراین نمرات گفت و شنود در دامنه ۰ تا ۶۰ و بعد همنوایی نیز میان ۰ تا ۴۴ قرار دارد. این ابزار پایه نظری قوی دارد و مکانیسمهای تأثیر ابعاد گفت و شنود و همنوایی بر ارتباطات خانواده و پیامدهایش را به‌خوبی بیان می‌کند و این موارد شواهدی برای روایی سازه مقیاس محسوب می‌شود (کوثرنر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲). کورش نیا (۱۳۸۵) روایی نسخه فارسی مقیاس را

1. Eta Coefficient
2. McLeod & Chaffee

مطلوب و ضریب آلفای کرونباخ را برای جهت گیری گفت و شنود و همنوایی به ترتیب برابر ۸۷/ و ۸۱/ گزارش کرده است.

۲. پرسشنامه خودکارآمدی عمومی شرر^۱: این پرسشنامه که برای سنجش خودکارآمدی عمومی استفاده می شود دارای ۱۷ ماده است. برای هر ماده این مقیاس ۵ پاسخ پیشنهاد شده که بر هر ماده از ۱ (کاملاً مخالف) تا ۵ (کاملاً موافق) امتیاز تعلق می گیرد. نمرات بالا بیانگر خودکارآمدی بالا و نمرات پایین بیانگر خودکارآمدی ضعیف است. شرر و همکاران (۱۹۸۲) اعتبار محاسبه شده از طریق آلفای کرونباخ برای خودکارآمدی عمومی را ۷۶/ و روایی آن را نیز از طریق روایی سازه مطلوب گزارش کرده اند. در پژوهشی که به منظور بررسی اعتبار و روایی این مقیاس در ایران از سوی براتی (نقل از قاسم زاده، ۱۳۸۶) انجام گرفت، همبستگی ۶۱/ به دست آمده میان مقیاسهای عزت نفس و خودارزیابی را با خودکارآمدی، ملاکی در جهت تأیید روایی سازه این مقیاس محسوب، و ضریب پایایی آن را نیز با استفاده از آلفای کرونباخ ۷۴/ گزارش کردند.

یافته ها

برای بررسی داده های پژوهش، ابتدا فراوانی، میانگین و انحراف معیار خودکارآمدی هر کدام از گروهها محاسبه شد که نتایج حاصل در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول شماره ۱. فراوانی، میانگین و انحراف معیار خودکارآمدی به تفکیک انواع الگوهای ارتباطی خانواده

شاخص های آماری	فراوانی	میانگین	انحراف معیار
الگوهای ارتباطی خانواده			
بی قید	۱۱	۵۳/۴۴	۱۱/۳۱
کثرت گرا	۸۰	۶۵/۶۷	۹/۵۵
محافظت کننده	۴۴	۴۱/۵۰	۱۱/۱۲
توافق کننده	۲۱	۶۵/۸۸	۷/۵۹
کل	۱۵۶	۵۸/۱۶	۱۰/۴۵

چنانکه در جدول فوق دیده می شود، دانش آموزان متعلق به خانواده های توافق کننده و کثرت گرا از خودکارآمدی بالا و دانش آموزان متعلق به خانواده های محافظت کننده از خودکارآمدی پایین برخوردار هستند و سطح خودکارآمدی دانش آموزان متعلق به خانواده های بی قید از دانش آموزان متعلق به خانواده های توافق کننده و کثرت گرا کمتر و از دانش آموزان متعلق به خانواده های محافظت کننده بیشتر است.

به منظور بررسی پیش فرض برابری واریانسها، از آزمون لون^۱ استفاده شد که نتایج حاصل در جدول شماره ۲ آمده است. چنان که در جدول دیده می شود ارزش لون در سطح $P < 0/05$ معنادار نیست، بنابراین فرض برابری واریانسها تایید می شود.

جدول شماره ۲. نتایج مربوط به آزمون لون

ارزش لون	df ₁	df ₂	سطح معناداری
۱/۹۶	۳	۱۵۲	۰/۱۱۳

به منظور مقایسه خودکارآمدی دانش آموزان با توجه به الگوهای ارتباطی خانواده، تحلیل واریانس یک راهه انجام شد که نتایج حاصل در جدول شماره ۳ آمده است. چنان که در جدول مشاهده می شود ارزش $F (39/23)$ به دست آمده در سطح $P < 0/01$ معنادار است، یعنی تفاوتی معنادار میان میزان خودکارآمدی آزمودنیها به تفکیک الگوهای ارتباطی خانواده وجود دارد.

جدول شماره ۳. نتایج تحلیل واریانس یک راهه در مورد مقایسه میزان خودکارآمدی به تفکیک الگوهای ارتباطی خانواده

منابع تغییرات	شاخص های آماری	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	ارزش F	سطح معناداری
واریانس میان-گروهی	۱۵۰۴۷/۸۳	۳	۵۰۱۵/۹۴	۳۹/۲۳	۰/۰۰۱	
واریانس درون گروهی	۱۹۴۳۳/۲۰	۱۵۲	۱۲۷/۸۵			
واریانس کل	۳۴۴۸۱/۰۳	۱۵۵				

برای بررسی دقیق تر میانگین گروههایی که با یکدیگر تفاوت دارند آزمون تعقیبی شفه اجرا شد که نتایج حاصل در جدول شماره ۴ آمده است. چنان که در جدول دیده می شود خودکارآمدی فرزندان مربوط به خانواده های محافظت کننده به طور معناداری از فرزندان سایر الگوهای ارتباطی خانواده کمتر است. همچنین خودکارآمدی فرزندان مربوط به خانواده های بی قید نیز با خانواده های محافظت کننده، کثرت گرا و توافق کننده تفاوتی معنادار دارد ولی تفاوت خودکارآمدی میان فرزندان خانواده های کثرت گرا و توافق کننده معنادار نیست.

جدول شماره ۴. نتایج آزمون تعقیبی شفه برای مقایسه میانگین خودکارآمدی با توجه به انواع الگوهای ارتباطی خانواده

الگوهای گوناگون ارتباطی خانواده	شاخصهای آماری	اختلاف میانگین	انحراف معیار	سطح معناداری
بی قید	کثرت گرا	-۱۲/۲۳	۳/۴۲	۰/۰۰۷
	محافظت کننده	۱۱/۹۴	۳/۵۹	۰/۰۱۴
	توافق کننده	-۱۲/۴۴	۳/۹۳	۰/۰۲۲
کثرت گرا	بی قید	۱۲/۲۳	۳/۴۲	۰/۰۰۷
	محافظت کننده	۲۴/۱۷	۱/۹۹	۰/۰۰۱
	توافق کننده	-۲۲	۲/۵۶	۰/۹۹
محافظت کننده	بی قید	-۱۱/۹۴	۳/۵۹	۰/۰۱۴
	کثرت گرا	-۲۴/۱۷	۱/۹۹	۰/۰۰۱
	توافق کننده	-۲۴/۳۹	۲/۷۸	۰/۰۰۱

بی قید	۱۲/۴۴	۲/۹۳	۰/۲۲
کثرت گرا	۲۲	۲/۵۶	۰/۹۹
محافظت کننده	۲۴/۳۹	۲/۷۸	۰/۰۱

در ادامه نیز برای محاسبه اندازه اثر، ضریب اتا با استفاده از فرمول (ضریب اتا = مجموع مجذورات میان گروهها تقسیم بر مجموع کل مجذورات) محاسبه شد که ارزش آن برابر ۰/۴۳۶. به دست آمد. این مقدار در رده بندی کوهن^۱ (۱۹۸۸) اندازه اثر قوی محسوب می شود. مقدار ضریب اتا (۰/۴۳۶) نشان می دهد که می توان ۴۳/۶ درصد از تغییرات خودکارآمدی را به الگوهای ارتباطی خانواده نسبت داد.

نتیجه گیری

این پژوهش خودکارآمدی دانش آموزان را با توجه به الگوهای ارتباطی خانواده مورد مقایسه قرار داده است. منظور از الگوهای ارتباطی خانواده، تیپهای مختلف خانواده بر اساس جهت گیری گفت و شنود و همنوایی است. بعضی خانواده ها ممکن است درباره موضوعات گوناگون به صورت باز و سرگشاده مذاکره کنند، تعامل میان اعضای خانواده بالا باشد و والدین از اظهار نظر فرزندان استقبال کنند؛ در برخی خانواده ها نیز ممکن است اعضای خانواده به ندرت درباره موضوعات متنوع با همدیگر گفتگو کنند، تعامل میان اعضای خانواده پایین باشد و فرزندان اجازه اظهارنظر نداشته باشند. همچنین در بعضی خانواده ها ممکن است والدین از عقاید و ارزشهای متفاوت فرزندان استقبال و آنها را به ابراز عقاید و نگرشهای هرچند متفاوت با خود تشویق و در تصمیم گیریهای خانواده در نظر بگیرند؛ در برخی از خانواده ها نیز ممکن است والدین اعتقاد داشته باشند که فرزندان باید مطیع والدین باشند و هر تصمیم را که آنها می گیرند اجرا کنند و از ابراز عقاید و ارزشهای متفاوت با والدین اجتناب و از آنها صرف نظر کنند. با در نظر گرفتن جهت گیریهای گفته شده، چهار نوع خانواده حاصل می شود که هر کدام از ویژگیهایی برخوردارند. نتایج این پژوهش نشان داد که تیپهای مختلف خانواده بر اساس الگوهای ارتباطی خانواده بر خودکارآمدی تأثیر متفاوت دارند و میزان خودکارآمدی فرزندان هریک از این تیپهای خانواده متفاوت از سایر تیپهاست که دلیل آن را می توان به ویژگیهای هر یک از آنها نسبت داد. به طوری که در حدود ۴۴ درصد از تغییرات خودکارآمدی را می توان با الگوهای گوناگون ارتباطی خانواده تبیین کرد.

بر اساس یافته های این پژوهش، فرزندان متعلق به خانواده های کثرت گرا و توافق کننده از خودکارآمدی بالا برخوردارند که در توجیه آن می توان گفت: چون در خانواده های کثرت گرا

موضوعات گوناگون به صورت باز و سرگشاده به بحث گذاشته می شود و از ارائه نظرات فرزندان استقبال و در تصمیم گیریهای خانواده لحاظ می شود لذا احساس استقلال و خودمختاری می کنند و به دلیل داشتن عقاید و ارزشهای شخصی خود و نقش آنها در تصمیم گیریهای خانواده، احساس می کنند که کفایت و کارایی لازم را دارند و نسبت به تواناییهای خود اعتماد پیدا می کنند و در نتیجه یاد می گیرند که می توانند در مواجهه با شرایط و رویدادهای سخت، از تواناییهای خود استفاده و بر آنها غلبه کنند و همین عوامل به تقویت خودکارآمدی آنها منجر می شود. همچنین در خانواده های توافق کننده نیز از یک سو به تعامل باز، سرگشاده و کشف عقاید فرزندان و از سوی دیگر به حفظ سلسله مراتب موجود اهمیت داده می شود و والدین ضمن تشویق و استقبال از نظرات و عقاید فرزندان، سرانجام خودشان تصمیم نهایی را می گیرند که با در نظر گرفتن مبانی نظری و پیشینه پژوهش به نظر می رسد نسبت به خانواده های کثرت گرا از خودکارآمدی پایین تر برخوردار باشند، اما نتایج این پژوهش تفاوتی معنادار میان میزان خودکارآمدی خانواده های کثرت-گرا و توافق کننده نشان نداد. این احتمال وجود دارد که استقبال والدین از نظرات و عقاید فرزندان و تشویق آنها به مشارکت در گفتگوهای خانواده، این احساس را که والدین اهمیتی به نظرات و عقاید آنها نمی دهند در فرزندان خنثی کند و سبب حفظ احساس کفایت و ارزشمندی و در نتیجه احساس خودکارآمدی در آنها شود. این یافته با مبانی تئوری الگوهای ارتباطی خانواده (کوثرنر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲) که بیان می کند تعامل باز و سرگشاده میان اعضای خانواده و اهمیت به اعتقادات و نظرات فرزندان، به احساس کفایت و توانمندی فرزندان منجر می شود و همچنین با یافته های رویز و سیلورشتاین (۲۰۰۷)، بوهانک و همکاران (۲۰۰۶)، کاپرارا و همکاران (۲۰۰۵) و کوئستن و همکاران (۲۰۰۲) که حاکی از میزان خودکارآمدی بالا در فرزندان خانواده هایی است که تعامل میان اعضای خانواده سرگشاده و باز بوده و والدین نیز از نظرات و عقاید فرزندان استقبال می کنند، هماهنگ است.

همچنین بر اساس یافته های این پژوهش، فرزندان خانواده های محافظت کننده از پایین ترین میزان خودکارآمدی، و فرزندان خانواده های بی قید نیز از خودکارآمدی بالاتر از خانواده های محافظت کننده و پایین تر از خانواده های کثرت گرا و توافق کننده برخوردار هستند. این یافته را می توان چنین توجیه کرد که چون در خانواده های محافظت کننده، بر اطاعت از مرجعیت و صاحب اختیاری والدین تأکید می شود و به فرزندان اجازه اظهار نظر داده نمی شود، فرزندان یاد می گیرند بدون توجه به عقاید و نظرات خود مطیع تصمیماتی باشند که دیگران می گیرند. در نتیجه خودشان تصمیم گیری و غلبه بر مشکلات را تجربه نمی کنند، لذا احساس می کنند که

توانایی لازم را برای مدیریت زندگی ندارند و به همین دلیل احساس خودکارآمدی پایین دارند. همچنین در خانواده های بی قید نیز به دلیل پایین بودن سطح تعاملات اعضای خانواده، درباره موضوعات پیش آمده بحث و تبادل نظر و استقبال از نظرات و عقاید فرزندان نمی شود. به همین دلیل عدم هدایت و کنترل فرزندان از سوی والدین، آنها به حال خود رها می شوند. در نتیجه، هر چند این اختیار را دارند که درباره سرنوشت خودشان تصمیم بگیرند اما چون والدین در تصمیم گیریها به آنها کمک و از آنها حمایت نمی کنند لذا در اکثر مواقع از رسیدن به اهداف خود باز می ماند و در نتیجه احساس شکست می کنند و توانایی خود را برای تصمیم گیری صحیح و مدیریت زندگی زیر سؤال می برند و احساس خودکارآمدی ضعیفی دارند. این یافته هماهنگ با نتایج پژوهشهای سینگ و یودینیا (۲۰۰۹)، بوهانک و همکاران (۲۰۰۶)، کوئستن و همکاران (۲۰۰۲) و کارتون و نویکی (۱۹۹۴؛ نقل از بوهانک و همکاران، ۲۰۰۶) است که پایین بودن تعاملات سرگشاده و باز اعضای خانواده و عدم ارزش گذاری والدین به نظرات و نگرشهای فرزندان را عاملی در کاهش خودکارآمدی می دانند.

پیشنهادهای کاربردی

با توجه به اینکه احساس خودکارآمدی بالا از عناصر ضروری برای موفقیت تحصیلی دانش آموزان است و توانایی آنها را برای شروع، ادامه و پایان موفقیت آمیز فعالیتها تقویت می کند (کریستا و فریستن، ۲۰۰۸)، لذا ارتقای خودکارآمدی برای موفقیت بیشتر دانش آموزان ضرورت پیدا می کند. با توجه به اینکه بر اساس یافته های این پژوهش، یکی از عوامل اساسی تأثیر گذار در تقویت یا تضعیف خودکارآمدی، الگوهای گوناگون ارتباطی خانواده است، به طوری که فرزندان خانواده های کثرت گرا و توافق کننده از خودکارآمدی بالا و فرزندان خانواده های بی قید و محافظت کننده نیز از خودکارآمدی پایین برخوردار بودند، همچنین با در نظر گرفتن ماهیت قابل یادگیری بودن الگوهای گوناگون ارتباطی خانواده (هارجی و دیکسون^۱، ۲۰۰۴)، بهتر است مدرسان آموزش خانواده و مشاوران مدارس در جلسات آموزش خانواده و مشاوره فردی و گروهی، به والدین نحوه تعامل و گفتگوی باز و سرگشاده، استقبال از نظرات فرزندان و تشویق آنها به اظهار نظر را آموزش دهند و مزایای آن را تحلیل کنند. همچنین والدین را آموزش دهند تا فرزندان خود را تشویق و حمایت کنند تا تصمیمات مربوط به خود را بر اساس ارزشهای و نگرشهای خودشان بگیرند، در تصمیم گیریهای مربوط به خانواده مشارکت داشته باشند، و در صورت داشتن عقاید مخالف با والدین در مورد مسائل مختلف، عقایدشان را مطرح و در مورد اختلافاتشان گفتگو کنند تا احساس خودکارآمدی فرزندانشان تقویت و ارتقا یابد.

1. Hargie, O. & Dickson, D.

منابع

- احمدی، حسن. (۱۳۷۴). روانشناسی رشد، چاپ اول. تهران: انتشارات رشد.
- دلاور، علی. (۱۳۸۰). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. تهران: انتشارات رشد.
- سیرجانی، لیلا. (۱۳۸۶). بررسی تأثیر هوش، خودکارآمدی و کمال گرایی بر سازگاری اجتماعی دانش آموزان. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- قاسم زاده، عزیز رضا. (۱۳۸۶). بررسی روابط عزت نفس، منبع کنترل و پیشرفت تحصیلی در دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- کوروش نیا، مریم. (۱۳۸۵). بررسی تاثیر ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده بر میزان سازگاری روانی فرزندان. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شیراز.
- محسنی، نیکچهره. (۱۳۸۳). روانشناسی رشد: مفاهیم بنیادی در روانشناسی نوجوانی و جوانی. تهران: نشر بنیاد.
- Bandura, A. M. (1993). Perceived self-efficacy in cognitive development and functioning. *Educational Psychologist*, 28, 117-148.
- Bandura, A. M. (1997). *Self-efficacy in changing societies*. New York. Cambridge University Press.
- Bohanek, J.G., Marin, K.A., Fivush, R., & Duke, M. P. (2006). Family narrative interaction and children's sense of self. *Family Process*, 45, 39-54.
- Caprara, G. V., Pastarelli, C., Scabini, E., & Bandura, A. (2005). Impact of adolescents' filial self-efficacy on quality of family functioning and satisfaction. *Journal of Research on Adolescents*, 15, 71-97.
- Cohen, J. (1988). *Statistical power analysis for the behavioral sciences*. Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- Fitzpatrick, M. A. (2004). The family communication patterns theory: Observations on its development and application. *The Journal of Family Communication*, 4, 167-179.
- Hargie, O., & Dickson, D. (2004). *Skilled interpersonal communication: Research, theory and practice* (4th ed.). East Sussex: Routledge.
- Huang, L. N. (1999). Family communication patterns and personality characteristic. *Communication Quarterly*, 47, 230-243.
- Koerner, A.F., & Fitzpatrick, M. A. (2002). Understanding family communication patterns and family functioning: The roles of conversation orientation and conformity orientation. *Communication Yearbook*, 26, 37-69.
- Koesten, J., Miller, K. I., & Hummet, M. L. (2002). Family communication, self-efficacy, and white female adolescent risk behavior. *Journal of Family Communication*, 2, 7-28.
- Krista, K., & Friston, P. (2008). Impact of journaling on students self-efficacy and locus of control. *Journal of scholarly teaching*, 3, 75-81.
- Ruiz, S., & Silverstein, M. (2007). Relationship with grandparents and the emotional well-being of late adolescents and young adult grandchildren. *Journal of Social Issues*, 63(4), 793-808.
- Sherer, M., Maddux, J. E., Mercandante, B., Prentice-Dunn, S., Jacobs, B., & Rogers, R. W. (1982). The self-efficacy scale: Construction and validation. *Psychological Reports*, 51, 663-671.
- Singh, B., & Udainiya, R. (2009). Self-efficacy and well-being of adolescents. *Journal of the Indian Academy of Applied Psychology*, 35(2), 227-232.